

#### تماشاخانه

#### درباره نمایش نامه «براساس دوشس ملفی» یک شب تئاتری فراموش نشدنی



**هری کمر اینین** **سفیر فلتاند در ایران**

● نمایش نامه «براساس دوشس ملفی»، نوشته محمد رضایی‌راد و نغمه کیمینی، جنان تازه‌ای به یکی از آثار بزرگ ادبیات انگلیسی دوره نوزایی، «دوشس ملفی»، نوشته جان وبستر می‌بخشد. کارگردان تئاتر، رضایی‌راد و گروهش که شامل ۳۰ نفر (!) بازیگر و موسیسین می‌شوند، تماشاگران را به گشت‌وگذاری به معنای واقعی کلمه، نفس گیر می‌بردند؛ به ایتالیای قرن شانزدهم با تمام توطئه‌ها و نزاع‌هایش بر سر قدرت، بازیگران در آفریدن وهمی که تماشاگر را به این دنیای تراژیک و درعین حال غریب می‌کشاند، کل می‌کارند؛ دنیایی که پر از فساد، حسادت، ناراستی و ولع قدرت است. این دنیایی است که در آن دورویی و خشونت، تعیین‌کننده بازی هستند. جای تعجب نیست، اینها خصلت‌هایی‌اند که هنوز در تپتر اخبار و رسانه‌های جهان با آن رویه‌رو می‌شویم. حتی امروزه، رسوایی‌هایی حول نزاع طبقاتی در خاندان‌های سلطنتی اروپا به چشم می‌خورد. در «تئاتر مستقل تهران» درست در قلب پایتخت ایران، می‌توانیم از نمایشی لذت ببریم با عناصری از تراژدی‌های شکسپیر، روم باستان و یونان، درآمیخته با کمیدالارنه ایتالیایی- این همه با رنگ‌ولعابی قدرتمند از محمد رضایی‌راد. داستان گاهی تکان‌دهنده می‌نماید و گاهی بسیار خنده‌آور. لحظه‌هایی احساس می‌کنی درحال تماشای اثری از هیچکاک هستی. لحظه بعد شاید «آلیس در سرزمین عجایب» یا «ریاب حلقه‌ها». درست همان لحظه‌ای که در غم عمیق دوشس، با بازی درخشان باران کوثری، شریک شده‌ای، خود را می‌بینی که به شخصیت‌های عجیب‌وغریب روی صحنه می‌خندی. رضایی‌راد به ما نشان می‌دهد که فاصله بین اشک شادی و اشک غم چندان زیاد نیست و این کار را چه کارآمد و موفق انجام می‌دهد؛ هرآنچه خوش می‌درخشد، خیر نیست. هرآنچه تیره می‌نماید، شر نیست. کشمکش میان ظلمت و نور، شر و خیر می‌فرید و همچنان ادامه می‌یابد. موسیقی‌ای که پنج جوان بااستعداد آن را اجرا می‌کنند تنها موسیقی پس‌زمینه نیست، بلکه بخشی از گفت‌وگو می‌شود. اگرترتار رهبر می‌شود، واکنش نشان می‌دهد و پلی راهمیت میان قرن‌ها می‌زند. پس از اینکه از تماشاخانه بیرون می‌آیی، سرت پر شده است از پرسش‌ها؛ چرا، چگونه؟ چه می‌شد یا باید انجام داد تا تراژدی اتفاق نیفتد؟ تراژدی با یکی از نفس‌گیرترین (به معنای واقعی کلمه) صحنه‌های مرگی که می‌توان دید، پایان می‌یابد. نه‌تنها دوشس کشته می‌شود، بلکه بسیاری دیگر نیز کشته می‌شوند. باین‌حال، اگر نمایش خیلی وبستر پر است از خشونت و خون، فکر می‌کنم تیتوس آندرونیکوس، اثر شکسپیر با برجای‌داشتن ۱۱ بدن بی‌جان روی صحنه، همچنان در جایگاه نخست است. رضایی‌راد و گروه بازیگران بسیار توانا و متعهدش ثابت می‌کنند که زبان تئاتر زبانی جهانی است که حتی اگر فارسی، زبان مادری نباشد، می‌توانی آن را بفهمی و دنبال کنی. گرم‌ترین سپاس‌ها و تمجیدها را تقدیم می‌کنم به کارگردان تئاتر، رضایی‌راد و گروهش به‌خاطر یک شب تئاتری فراموش‌نشدنی دیگر در تهران!

**\*مترجم: محسن ابوالحسنی**

#### جاری

#### واکنش‌ها به برگزاری کنسرت در قم

● **شرق:** برگزاری کنسرت موسیقی ششم مهر در قم، واکنش‌هایی را به‌دنبال داشت. در پی این آیت‌الله صافی‌گلپایگانی خواستار حفظ حرمت در قم شد و به‌دنبال آن نیز امام‌جمعه قم احترام‌گذاشتن به نظر مراجع عظام را خواستار شد. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله صافی‌گلپایگانی، این مرجع تقلید در دیدار با دبیرکل ستاد امربهمعروف و نهی‌ازمنکر کشور و مسئولان ستاد قم، به‌خورد جدی با برگزارکنندگان کنسرت در قم را خواستار شد و گفت: «حرمت قم باید حفظ شود و نباید در این موضوع سکوت کنید». این مرجع تقلید تأکید کرد: «با اجرای مجالس موسیقی و کنسرت قلب امام زمان علیه‌السلام متاثر می‌شود و شما آمران به‌معروف و منقابه و جلوگیری از این منکر بزرگ موضوع خرسندی امام زمان(عج) را فراهم آورید». همچنین امام‌جمعه قم در خطبه‌های روز گذشته نماز جمعه این شهر به برگزاری کنسرت در این شهر واکنش نشان داد: «در این شهر هر گناهی که این حرمت آن را بشکند، از دید ملت شریف قم و ملت، محکوم و مبطود است، در این اتفاق مراجع عظام تقلید آزرده شده‌اند». آیت‌الله علیرضا اعرافی با اشاره به واکنش برخی مردم، علما و مراجع تقلید درخصوص برگزاری کنسرت موسیقی در این شهر ادامه داد: «در وقایع اخیر مراجع عظام آزرده‌خاطر شدند و باید به ارزش‌ها احترام گذاشته شود و نظر مراجع موردتوجه باشد».

**شرق:** درمندرا دنول (Dharmendra) بازیگر نقش اصلی فیلم «شعله» که در ایران طرفداران زیادی داشت، به دعوت پروژه «سلام بمبئی» برای مراسم افتتاحیه «سلام بمبئی» به ایران خواهد آمد. این ستاره ۸۰ ساله سینمای بالیوود قرار است همراه دیامیرزا، گلشن گروور، پونم دهلون و دلیپ تاهیل، ۱۲ آذرماه وارد ایران شوند. مراسم استقبال از این اسطوره سینمای هند از سوی بخش cip فروگداه امام خمینی (ره) انجام خواهد شد و بازیگران هندی «سلام بمبئی» همراه پچلاچ نیهالانی، تهیه‌کننده بالیوودی «سلام بمبئی»، به وسیله پادیکاردهای مخصوص به هتل اسپیناس تهران انتقال می‌یابند. مراسم افتتاحیه فیلم هم قرار است روز شنبه، سیزدهم آذر در برج میلاد تهران برگزار شود.

«سلام بمبئی» نخستین فیلم محصول مشترک سینمای ایران و بالیوود هندوستان است که رسما

**ابوالحسن حاتمی:** هفدهمین جشنواره «آزیاتیک» که در آن مجموعه‌ای از فیلم‌های کوتاه، بلند و مستند کشورهای آسیایی به نمایش گذاشته می‌شوند، از ۲۷ شهریور تا ۱۱ مهر در رم در حال برپایی است. فیلم‌های ایرانی همواره در این جشنواره جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و امسال هم این جشنواره با فیلم «فروشنده» اصغر فرهادی افتتاح شد و با فیلم «سینما نیمکت» محمد رحمانیان (با حضور کارگردان) خاتمه می‌یابد. فیلم‌های دیگر ایرانی عبارت‌اند از: «پذیرایی ساده» مانی حقیقی، «ماهی‌وگریه» شهرام مگری، «لاتسوری» رضا درمیشیان و «والدراام»، عباس امینی (با حضور کارگردان). از برنامه‌های جانبی این جشنواره می‌توان به معرفی کتاب در زمینه کشورهای آسیایی با نویسندگانی از این کشورها اشاره کرد. امسال کتاب «فروغانه و باران، ایران و تعاملات امروز و آینده» آنتونللو ساکی و «داستان سیم» آخرین رمان بیژن زرنبدلی معرفی خواهد شد. ایتالو اسپینلی پایه‌گذار و مدیر جشنواره است. اسپینلی پیش از این در تاریخ ۱۴ و ۱۵مارس ۲۰۱۵ هم برنامه‌هایی برای معرفی تاریخ سینمای ایران در موزه «ماکسی» ژم برگزار کرده بود. در حاشیه جشنواره با او گفت‌وویی کردیم.

▲ اغلب ایرانیان مقیم رم «آزیاتیک فیلم مدیا» و مدیر و سازمان‌دهنده آن را می‌شناسند. اکنون هفدهمین دوره آن‌را برگزار می‌کنید. ممکن است داستان جشنواره را از زبان خودتان بشنوم؟ متولد و مقیم رم هستم. سال‌ها به کارگردانی تئاتر مشغول بوده‌ام و ده‌ها سناریو را در تئاترهای مهم ایتالیا، از جمله «ایل پیکولو» (تئاتر اروپا) در میلان، تئاتر آرزاتین رم و بسیاری شهرهای دیگر به صحنه برده‌ام. اصولاً ایده‌ام از تئاتر، اجرای سناریو در خارج از محل‌های سنتی است و علاقه شدیدی به سناریوهایی از قبیل کالوینو، نامه‌نگاری بین شاعران؛ مارینا تسوتایا - ریلکه و یاسترناک و... دارم. کارگردانی سینمایی هم می‌کنم و اولین کارم، فیلم «رم، پاریس، بارسلون» بود. اخیرا فیلم «گانگور» را که در هند فیلم‌برداری شد تهیه کردم که در فستیوال سینمایی رم روی پرده رفت. این فیلم تابه‌حال چندین جایزه بین‌المللی را از آن خود کرده است. فیلم‌های مستند زیادی هم در مناطق مختلف جهان به‌خصوص در آسیا ساخت‌ام. برخی از آنها نیز با همکاری نویسندگانی مانند مهاساتادوی، ماریو واراگاس لوزا در پرو و آمیتاو گوش تهیه شده‌اند. سال گذشته کوشش کردم مستندی درباره اسلام در کشورهای لیبی، مصر و تونس تهیه کنم که فعلا نیمه‌کاره مانده است. سال ۲۰۰۰ فستیوال «آزیاتیک» را پایه‌گذاری کردم و مدیریتش را برعهده گرفتم. این فستیوال سینمایی سالانه به مدت یک هفته در رم برگزار می‌شود. در آن مجموعه‌ای از فیلم‌های سینمایی، مستند و کوتاه از کشورهای مختلف آسیایی به‌طور رایگان در معرض دید همگان قرار می‌گیرد. محل برگزاری آن چند سالن سینما و سالن‌های

#### هنر

#### «درمندرا»، در راه تهران

## بازیگر «شعله» به ایران می‌آید

از یازدهم آذر (اول ربیع‌الاول) با سرگروهی «سینما استقلال» به نمایش عمومی درخواهد آمد. «سلام بمبئی»، به کارگردانی قربان محمدپور و تهیه‌کننده ایرانی آن، جواد نوروزبیگی، ملودرامی عاشقانه است که داستان آشنایی دختری هندی و پسری ایرانی را روایت می‌کند که هر دو دانشجوی پزشکی هستند و درگیر ماجراهایی می‌شوند. محمدرضا گلزار، دیامیرزا و بنیامین بهادری بازیگران اصلی فیلم هستند. کمپانی موشن پیکچر، تهیه‌کننده بالیوودی «سلام بمبئی»، قرار است این فیلم را در سه‌هزار سینمای هند به نمایش درآورد. همچنین قرار است «سلام بمبئی» در پاکستان، بنگلادش، سریلانکا، آمریکا، کانادا، استرالیا، انگلستان، آلمان، سوئد، نروژ، دانمارک، هلند و کشورهای عربی اکران عمومی شود. درمندرا دنول، ستاره سرشناس سینمای هند، در نقش ویرو، همراه با هما مالینی، دیگر ستاره سینمای بالیوود، در

درمندرا

**گفت‌وگو با ایتالواسپینلی، مدیر جشنواره «آزیاتیک» ژم**

# ایرانی جماعت را با فروغ شناختم

همایشی است که یا به طور پرآکنده در مرکز شهر

قرار دارند یا در یک یا دو مجموعه با فضاهای مناسب این‌کارند. از سپتامبر امسال هفدهمین جشنواره در فضای تئاتر ایندیا در محله تستاچو برگزار شده. اینکه تئاتر میهماندار این برنامه می‌شود نشان‌دهنده چندمنظوره‌ای بودن این جشنواره است.

▲ از آخرین پروژه‌تان برای معرفی تاریخ سینمای ایران در موزه «ماکسی» شروع کنیم که برنامه جنبی نمایشگاه «تاریخ بدون تپتر ایران ۱۹۶۰-۲۰۱۴» بود.

▲ چه زمان ایران و سینمایش را دنبال می‌کنید؟

با سینمای ایران در سال‌های ۱۹۸۰ میلادی و آثار گروه هنرمندانی چون سهراب شهیدثالث، کیانوش عیاری، مجید مجیدی، کیارستمی و بنی‌اعتماد که هنرمندان چیره‌دستی بودند، آشنا شدم تا رسیدم به اصغر فرهادی، ولی آنچه من را در آن سال‌ها مجذوب خود کرد، فیلم و داستان‌های نادری و بیضایی بود و البته نباید «خانه سیاه است» فروغ فرخزاد را هم از یاد برد. شاعرانکی فروغ برای من سراسغازی بس شگفت‌انگیز بود. در اشعارش برای اولین‌بار یک نوع آزاداندیشی و تکامل سینمایی‌ای را که در حافظ نیز می‌توان یافت دیدم. فروغ براسم آغازی بود برای شناخت مردم با به‌قولی ایرانی‌جماعت؛ عشقی که تا به امروز ادامه دارد. برایم غیرممکن است شعر و سینمای معاصر ایران را که باعث شناختم از ایران شد، نادیده بگیرم. بالاخره در سال ۲۰۰۰، به مناسبت جشنواره فجر به ایران سفر کردم و در یک نگاه، عشقی بی‌حد به مردم و فرهنگ عظیم و اصیل آن در خود حس کردم.

▲ در دوره‌های گذشته کارگردانان مختلفی را

معرفی کردید که در ابتدای راهشان بودند، ولی بعدا در سطح جهان مشهور شدند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان اصغر فرهادی را نام برد. چگونه همیشه قبل از دیگران آنها را کشف کردید؟

به گمانم عشق من به فرهنگ ایران، هدایت‌کننده

من در انتخاب و ارائه فیلم‌ها در آزیاتیک بوده است. ناگفته نماند که دوستانم، هنرپیشه‌ها، کارگردانان، منتقدان سینمایی، نویسندگان و هنرمندان مختلف با خلوص نیت و از صمیم قلب در سفرهایم من را در انتخاب و گزینش فیلم‌ها و مستندها یاری کرده‌اند.

▲ ایده برپایی جشنواره‌ای از فیلم‌های آسیایی از کجا ناشی شد و به چه نیازی باید پاسخ‌گو باشد؟

ایده جشنواره فیلم‌های آسیایی حاصل سفرهایم بوده، با گذر از مرزها. در رم امکان دیدن فیلم‌هایی غیر از سینمای هالیوود یا ایتالیا وجود ندارد. نیاز عمیق درونی‌ام برای به‌اشتراک‌گذاشتن فرهنگ‌های دیگر و خروج از دید خودمرکزبینی اروپایی (استعمارگرانه) است.

▲ در دوره‌های آخر بخشی را به معرفی کتاب‌ها اختصاص داده‌اید و اگر اشتباه نکنم با ایران شروع کردید. این بخش از چه نیازی برآمده؟

روح آزیاتیک همواره چندمنظوره بوده؛ این ایده که سینما چه داستانی و چه مستند، پلی است برای راهیابی به فرهنگ، ادب، ویژگی‌های اجتماعی و سیاسی‌ای که باید شناخت و با آن به گفت‌وگو نشست. ▲ هر سال کشوری زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد، بر چه اساسی کشور مد نظر را انتخاب و کارهایش را ارائه می‌کنید؟

تمرکز بر یک کشور مشخص، براساس سینمای آن صورت می‌گیرد و با دعوت از میهمان‌های بیشتر،

نقش بستنی و آمیتاب باچان در نقش جیی دو در فیلم «شعله» بازی کردند که این فیلم در ایران طرفداران زیادی داشت، به‌طوری‌که جبار سینگ (امجد خان) که نقش منفی فیلم بود، در میان مخاطبان ایرانی معروف شده بود.

فیلم «شعله» محصول سال ۱۹۷۵ به‌وسیله رامش سیبی کارگردانی شد. این فیلم از بزرگ‌ترین فیلم‌های سینمای هند محسوب می‌شود که در جشنی که به مناسبت صدسالگی سینمای بالیوود برگزار شد، به‌عنوان برترین فیلم سینمای هند در قرن گذشته معرفی شد. فیلم درباره زندگی پلیسی بازنشسته است که راهزنی به اسم جبار سینگ خانواده‌اش را قتل‌عام و دستان خودش را نیز قطع کرده است. تا‌کُور، دو دزد به نام‌های ویرو و جیی که آنها را دستگیر کرده به‌کار می‌گیرد تا جبار سینگ را بیابند و زنده به او تحویل دهند. فیلم «سلام بمبئی» پروژه مشترک ایران و هند است که در آن محمدرضا گلزار و بنیامین بهادری، از سینمای ایران بازی خواهند داشت.



عکس Swarnu Dutta

برگزاری نمایشگاه‌ها، بازخوانی‌ها و کنفرانس‌های گوناگون واقعیت می‌پذیرد. با انتخاب این فیلم‌ها در نظار دیم دورنمایی از سینمای معاصر و همچنین فیلم‌هایی از گنجینه گذشته آنها که یا به‌ندرت یا هرگز در ایتالیا دیده نشده‌اند، در اختیار بینندگان قرار دهیم.

▲ با چه مسائلی در این کار دست‌وپنجه نرم و چگونه آنها را حل می‌کنید؟

مشکلات زیادی جلوی پایمان است که عمده‌تا از کمبود بودجه ناشی می‌شود. اغلب با طرز تفکر «عقب‌افتاده» و سیاست‌مداران «کوچکی» برخورد می‌کنیم که جلوتر از نوک بینی‌شان را نمی‌بینند. با وجود اینکه رم می‌خواهد یک پایتخت جهان‌شمول باشد، در این زمینه عقب است و کمبود فرهنگی و غالباً سدی در برگزاری این برنامه‌ها دارد. ولی آزیاتیک به پشتوانه‌ی هودارانش بر این مشکلات غالب می‌شود.

▲ برگردیم به سینمای ایران. براساس تجربه ۲۰ سال اخیر، سینمای امروز ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ چه پیشرفت‌هایی داشته و چه درنمایی دارد؟

به گمانم سینمای ایران در آستانه تحول نسلی است. در ایران ده‌ها هنرمند جوان روی صحنه آمده‌اند، جنبشی که گسترش یافته، نه‌تنها در زمینه فیلم‌های داستانی بلکه در زمینه مستندسازی و به‌خصوص مستندهایی است که از سوی زن‌ها و با تأکید بر زنانگی ساخته می‌شود. زمینه فرهنگی ایران آن‌قدر مستعد و پرتضاد است که با وجود مشکلات عدیده و عوامل بازدارنده، در کشور ایتالیا و در تمام جهان جای خود را باز خواهد کرد.

ادامه در صفحه ۱۷

#### پشت آنتن

**به مناسبت یک‌سالگی برنامه علمی «چرخ»**

#### در چرخ، ستاره می‌گیرد

#### فرین روحانیان

● اوایل امسال بود که پس از تماشای چند قسمت برنامه «چرخ» از شبکه چهار سیما و یکی، دو برنامه محبوب دیگر تلویزیون ایران، به‌عنوان عضوی از خانواده رسانه و با دیدن حجم بازنشر محتوای این برنامه‌ها در رسانه‌ها، به این موضوع فکر کردم که چقدر عالی است برای یک برنامه مفرح تبلیغ می‌شود، گرچه گاه محتوای اخبار مربوط به برخی برنامه‌ها مفرح به سطحی باورناپذیر نازل هستند، اما موضوع مهم‌تر اینکه چرا محتوای برنامه دیگری که از استانداردهایی بسیار بالا برخوردار است کمتر خبری می‌شود؟ اگر مبالغه نکنم، دست‌کم نه هر خط برنامه «چرخ»، اما هر قسمتش پر از اخبار تازه، به‌روز، گفت‌وگوهای متنوع، پیگیری موضوعات و دغدغه‌های جاری مردم است؛ از بحران آب گرفته تا لزوم بیداری علمی جامعه، از بررسی خبر ساخت واکسن سرطان در ایران تا فناوری لباس‌های ورزشی، از مسیر طی‌شده برای کارت سوخت گرفته یا کارهای انجام شده برای ثبت قات‌های ایران در یونسکو، از ثبت اشتباه زادروز ابوریحان بیرونی در تقویم گرفته تا... آیا ما روزنامه‌نگار و خبرنگار علمی نداریم یا کم داریم؟ آیا رسانه‌ها صفحات علمی ندارند؟ چرا صفحات تلویزیون دچار ستاره‌گرفتگی شده‌اند؟ یعنی اگر یک ستاره سینما و تلویزیون میهمان برنامه‌ای باشد و در آن برنامه از قضا مشخص شود که ستاره موردنظر تقریباً چیزی برای گفتن ندارد؛ انعکاس چنین برنامه‌ای رخداد مهمی است؟ بارهاوبارها خبر چنین برنامه‌هایی بازنشر داده می‌شود، اما اگر دانشمندان، مسئولان و شخصیت‌های علمی در برنامه‌ای ستاره صید کنند (اشاره به قسمتی از برنامه چرخ که به کشف ساره‌ای شبیه زمین پیرامون نزدیک‌ترین ستاره به زمین پرداخت) هم چندان چنگی به دل رسانه نمی‌زند؟! «چرخ» یکی از پربیننده‌ترین برنامه‌های شبکه چهار تلویزیون است و شاید اصلاً نیازی به بازنشر محتوای تولیدشده‌اش در رسانه‌های مکتوب و مجازی نداشت‌ه باشد؛ اما به نظر می‌رسد رسانه‌ها از محتوای چنین برنامه‌ای بی‌نیاز نباشند. هرچند من علمی‌نویس نبودم‌ام، اما «چرخ» بیش از یک برنامه صرفاً علمی- مردمی توجهم را به خود جلب کرد؛ به‌عنوان یک برنامه تلویزیونی خوش‌ساخت و با ارائه‌ای کم‌تظزیر در تلویزیون ایران، دُکور کاملاً فکرو اجرادش‌اش با آن نورپردازی و آکسوری‌های جذاب و هنری و همچنین پوشش مجری برنامه‌ای که در همان مقدرات دیگران در سیما و تنها با جاشنی سلیقه متفاوت است، ریتِم برنامه نه در بین برنامه‌های علمی که در قیاس با تمام برنامه‌های گفت‌وگومحور به معنای واقعی کلمه چشمگیر است؛ یعنی اگر در حال عوض‌کردن کانال باشید، چشمتان به همه چیزهایی که به‌رشمردم، گیر می‌کند. برنامه‌سازی این برنامه روزانه را با بخش زنده و با چنین سطحی از استاندارد، سیاشوش صفاریان انجام داده؛ کسی که کوله‌باری از تجربه‌های استاندارد را به‌همراه دارد. او دچار یک نوع ستاره‌گرفتگی چندساله و حرفه‌ای است؛ چه وقتی که آسمان شب را می‌سازد، چه وقتی عکاسی نجوم می‌کند، چه وقتی که ویژه‌برنامه تحویل سال می‌سازد و چه زمانی که در چرخ، ستاره می‌گیرد. ستاره‌ها را به دام انداختند و به تلویزیون کشاندند؛ وقتی اولین‌بار در نوجوانی به شبکه دوفت و خواست درباره نجوم برنامه بسازد و ساخت. از آن برنامه چنددقیقه‌ای تا امروز که برنامه علمی-مردمی «چرخ» یک‌ساله شده از شروع به ساخت برنامه «آسمان شب» بیش از ۱۵ سال می‌گذرد، این تهیه‌کننده و کارگردان تمام‌قد پای استانداردهایش ایستاده و هربار رکوردهای خلاقیت و کیفیت برنامه‌سازی در تلویزیون را افزایش داده است. چرخش بچرخد.

#### خانه دوست

#### کاشت درختی به یاد «کیارستمی» در آمریکا

● روز یکشنبه، چهارم مهر، در مراسمی درخت کیلاسی به احترام و یاد عباس کیارستمی در دانشگاه برلیند در آمریکا کاشته شد. در این مراسم رئیس دانشگاه هنر و علوم انسانی این دانشگاه و احمد کیارستمی، فرزند عباس کیارستمی، به‌صورت نمادین نخستین خاک را بر پای درخت ریختند. احمد کیارستمی در سخنرانی کوتاهی این حرکت را از بهترین اقدامات ماندگاری توصیف کرد که می‌تواند برای پادمان عباس کیارستمی انجام شود. او به نقش درختان در فیلم‌ها، عکس‌ها و شعرهای عباس کیارستمی اشاره کرد؛ از جمله در فیلم «خانه دوست کجاست» که مورد توجه جهانی قرار گرفت؛ در صحنه‌ای درختی در بالای تپه‌ای و در انتهای مسیری قرار دارد. وی همچنین اضافه کرد که «به‌ویژه در سال‌های اخیر از جمله پیام‌های عباس کیارستمی که جلب توجه به‌سوی طبیعت بوده است»، احمد کیارستمی در انتها ابراز امیدواری کرد که این اقدام ارزنده نه‌تنها یادمانی برای عباس کیارستمی باشد بلکه نمادی شود برای توجه بیشتر به طبیعت. این مراسم به همت انجمن فرهنگی تریج، دفتر مطالعات ایرانی (ایران‌شناسی) دانشگاه برلیند و دانشکده مطالعات سینمایی این دانشگاه برگزار شد.